

# شناسایی مولفه‌های ارتقای ظرفیت خط مشی‌گذاری آموزش‌های مهارتی کشور

## و عوامل موثر بر آن

ابوالفضل تیرانداز<sup>۱</sup>

علی‌فرهادی محلی<sup>۲</sup>

علی‌رضا معطوفی<sup>۳</sup>

مجتبی طبری<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی مولفه‌های ارتقای ظرفیت خط‌مشی‌گذاری آموزش‌های مهارتی کشور و عوامل موثر بر آن می‌باشد. محقق با پیشفرض فلسفی (پارادایم) برساختی (تفسیری) و انتخاب استراتژی داده‌بنیاد (گراندد) با استفاده از نظرگاه استقرائی اقدام به حل مسئله نموده است. نمونه‌های پژوهش در قسمت خبرگان از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری مقولات اکتشافی با بهره‌گیری از تحلیل محتوای پنهان (یا تحلیل تم) در قالب مصاحبه‌های عمیق پیاده‌سازی شده به صورت متن، با تعداد ۱۵ نفر صورت پذیرفت. کدگذاری اولیه، مقوله‌بندی و کدگذاری محوری، باعث هدایت محقق به سوی اکتشاف ۲ مفهوم عوامل موثر و مولفه‌های ارتقای ظرفیت خط‌مشی‌گذاری گردید. عوامل موثر شامل ۹ مولفه قانونی، اقتصادی، فرهنگی، عملکرد، اعتماد عمومی، سیاست‌های دولت، استراتژی سازمانی، همکاری‌های بین‌المللی و ظرفیت‌های مدیریتی بودند. مولفه‌های ارتقا نیز شامل ۷ مورد تجزیه و تحلیل و تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی‌گذاری، ارزیابی خط‌مشی استراتژیک، قابلیت‌های خط‌مشی‌گذاری، زیرساخت‌های خط‌مشی‌گذاری، قابلیت‌های مشارکت‌جویانه و انتخاب معتبر بودند. نهایتاً استفاده از ابزارهای کدگذاری هم‌پوشان توسط نرم‌افزار، درگیری طولانی مدت با ادبیات کمی و کیفی حوزه مورد مطالعه و در نهایت مشورت با خبرگان در قالب یک جلسه کانونی انتخابی محقق را برای تولید نظریه در قالب ارائه فرضیه ارتباط عوامل یاد شده با مولفه‌های ارتقای ظرفیت و هم‌چنین ارتباط اعتماد عمومی با انتخاب معتبر رهنمون نمودند.

نوع مطالعه: علمی پژوهشی نوع مقاله: کیفی

کلمات کلیدی: خط‌مشی‌گذاری، آموزش‌های مهارتی، ظرفیت خط‌مشی‌گذاری، فنی و حرفه‌ای، داده‌بنیاد

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

<sup>۲</sup> - نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

afarhadi19@yahoo.com

<sup>۳</sup> - دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

<sup>۴</sup> - دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

## مقدمه

تقریباً در همه کشورها روندی درون آموزش مهارتی مبتنی بر مدرسه به سمت محدوده های حرفه ی وسیع تر وجود دارد، آمیخته ای غنی تر از موضوع رشته ای نظری و عمومی و صلاحیت های تحصیلی که امکان دسترسی به آموزش عالی را با هزینه ویژه تری از آموزش حرفه ای و مهارت آموزش عملی فراهم می کند. این روند را می توان به عنوان ترکیب سازی ۵ آموزش های حرفه ای و عمومی توصیف کرد (فرخی، داود. ۱۴۰۰ ص ۶).

با توجه به اینکه پایه اصلی اقتصاد آموزش می باشد، لذا کشورها سعی دارند ارتباطی را بین مهارت آموزی و تقاضای بازار کار ایجاد کنند زیرا آموزش و افزایش دانایی و مهارت به منزله سرمایه هایی هستند که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگری بازده اقتصادی دارد (حسینی راد و کاوسی، ۱۳۹۵) و این رویکرد معقول را در افقی طولانی مدت تر، به عنوان سناریویی برای آینده لحاظ می نمایند. تاریخ این اندیشه که سرمایه گذاری در بخش سرمایه انسانی موجب پیشرفت توسعه اقتصادی می شود به بیش از دوست سال پیش باز می گردد، در واقع، توسعه مهارت های نیروی انسانی، ظرفیت تولیدی نیروی کار را افزایش می دهد. اندیشه اقتصاددانان بزرگ که بازده آموزش را به عنوان نوعی سرمایه گذاری در منابع انسانی قابل مقایسه با سرمایه مادی می دانستند تا پیش از دهه ۱۹۶۰، یعنی زمانی که «شولتز»<sup>۶</sup> (۱۹۶۷) و «دنسون»<sup>۵</sup> (۱۹۶۲) اثبات کردند که آموزش با انتقال دادن و بهبود بخشیدن مهارت ها و توان تولیدی کارگران، می تواند به طور مستقیم به رشد درآمد ملی کمک کند، منشاء تحقیق بسیار جدی قرار نگرفت (حسینی، ۱۳۹۱)، چرا که کارکنان آموزش دیده نیاز به کنترل کمتری دارند، انگیزش بیشتری داشته و در بهبود کیفیت خدمات و محصولات تولیدی نیز نقش موثری دارند. (شهپازی و حسینی، ۱۳۹۱).

در حال حاضر موضوع آموزش های مهارتی مانند سایر مسائل عمومی، بسیاری از نهادهای دخیل در آموزش مهارتی را تحت فشار قرار داده است تا با تغییر دستورالعمل ها، روش ها و ساختارها، پاسخگوی نیازهای رو به رشد جامعه باشند. در حوزه آموزش مهارتی، همچون سایر حوزه ها در جوامع از دیدگاه های مختلف با

<sup>۵</sup>- Hybridization  
- Schultz<sup>۶</sup>  
- Dennison<sup>۷</sup>

محیط باثبات و قابل پیش بینی گذشته تفاوت چشمگیری کرده است و این تغییرات گسترده در تمام جوانب و امور، باعث پیچیده شدن فرایند خط‌مشی گذاری عمومی شده است (ایزدی یزدان آبادی، احمد، ۱۳۹۳). محقق در همین راستا با علم بر این که اهمیت و نقش خط مشی گذاری نه در گذشته قابل انکار بوده است و نه در فضای پر چالش انسان مدرن امروز، معتقد است در منظری استراتژیک، حاکمیت‌ها یکی از مهمترین بازیگرانی هستند که کیفیت و کمیت زندگی انسان امروز را تحت پوشش داشته و نقش آن‌ها در پیشرفت و توسعه یافتگی، نقشی غیرقابل کتمان است.

از آنجاییکه سرمایه داری خط مشی ای (سیاستی) نوعی سرمایه حساس و کلیدی است که مابقی سرمایه‌ها فرع آن می باشند و هرچه ظرفیت خط مشی گذاری کشوری بالاتر باشد اطلاق عنوان کشور سرمایه دار به آن بیشتر صادق است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴). لذا از منظری نوین به توسعه یافتگی نگاه مینماید، نگاه از منظر توانایی و ظرفیت خط مشی از آنجاییکه ظرفیت خط مشی گذاری، توانایی بسیج منابع لازم برای انتخاب جمعی هوشمند در تعیین راهبردی دستورالعمل‌هایی برای تخصیص منابع کمیاب به اهداف عمومی (پیتتر و پیر ۲۰۰۵) می باشد تا جاییکه هاوالت و رامش (۲۰۱۵) استعاره پاشنه آشیل<sup>۸</sup> را برای آن مطرح نموده اند و حتی کلمن (۲۰۱۷)، مائز (۲۰۲۰)، نوریس و اینگهارت (۲۰۱۹) پا را از این فراتر نهاده و بیان نموده اند که ظرفیت خط مشی مناطق ناشناخته ای را نشان می دهد به ویژه اینکه اگر ما بخواهیم چالش های ناشی از پوپولیسم و خودکامگی را در سراسر جهان نیز در نظر بگیریم.

در مورد آموزش های مهارتی ارائه شده در کشور، علیرغم بهره مندی از ظرفیت های دولتی، در سالیان اخیر شاهد بهبود موثری در وضعیت آن نبوده ایم (محمودزاده احمدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴) که این مسئله خود می تواند الزام به بهبود ظرفیت های خط مشی گذاری در آموزش های مهارتی را یادآور شود. رگونی (۲۰۱۷) ، در مقایسه ای از تعاریف استاندارد حکمرانی نشان داده است که ظرفیت خط مشی ضعیف برخی از دولتها به عنوان کسری، کمبود و خلا می باشد .

درک این مهم که ظرفیت خط مشی به عنوان شرایط موثر جهت توسعه و پیاده سازی خط مشی گذاری توصیف شده است بسیار مهم است چراکه پیش شرط موفقیت خط مشی و برون داد برتر آن محسوب می

<sup>۸</sup>- Achills' Heel

گردد (چنبونتای و واتانابه ۲۰۱۸)، لذا با توجه به اینکه توانایی های اساسی در الزامات حکمرانی خوب معمولاً با عباراتی نظیر ظرفیت خط مشی، مدیریت خط مشی، اثربخشی خط مشی و ظرفیت ارزیابی مشخص می شود (رگونینی، ۲۰۱۷) فلذا اهمیت ظرفیت خط مشی گذاری و ارتقای آن به عنوان عاملی برای توسعه کاملاً مبرهن می باشد.

اگر چه در زمینه ادبیات نظری پژوهش حاضر، تحقیقات مختلفی صورت پذیرفته است اما تا زمان تحقیق حاضر، پژوهشی جامع در حوزه ی آموزش های مهارتی که عوامل موثر بر ظرفیت خط مشی گذاری و مولفه های ارتقای آن را واکاوی نماید نماید، گزارش نشده است.

### مبانی نظری

یک نظرسنجی غیر معرف ۹ از تقریباً ۱۵۰۰ ذی نفع و کارشناسان حرفه ای آموزش های مهارتی و حرفه ای در اروپا در بهار سال ۲۰۱۸ انجام شده که، سه روند برتر برای ۱۵ سال آینده را شامل افزایش پاسخگویی به نیازهای بازار کار، افزایش عناصر مبتنی بر کار در برنامه درسی و رشد ارائه این آموزش ها در سطوح عالی بیان می نماید.

نتیجه دیگر این نظرسنجی این بود که نقش اینگونه آموزش ها در آماده سازی دانش آموزان برای مشارکت کامل در جامعه و تبدیل شدن به شهروندانی فعال برای آینده، اهمیت بیشتری یافته است. آن چه که پاسخ دهندگان از آموزش های مهارتی برای ۲۰۳۵ انتظار دارند تبدیل شدن آن به بخشی از یادگیری مادام العمر، تبدیل شدن آن به بخشی از نظام آموزش عالی، تخصیص بودجه بیشتر برای این قسمت اعم از ناحیه دولتی و خصوصی میباشد (فرخی، داود. ۱۴۰۰ صص ۷-۶). حکمرانان و سیاستگذاران با فرایند خط مشی گذاری که تجلی برنامه ریزی برای یک کشور میباشد تلاش دارند اهدافی را در آینده دور و نزدیک محقق سازند.

در اوایل قرن بیستم برنامه ریزی بر پایه عقلانیت (بالا به پایین)، به دلیل اهمیت یافتن مشارکت شهروندان در فرایند برنامه ریزی با نقدهای جدی مواجه گردید. با حرکت جامعه به سوی پیچیدگی بیشتر عملاً مدل های سنتی حکمرانی که بر پایه پیش بینی و تصویر عالم به مثابه یک ماشین بودند رنگ باخته است.

پیترمن، ۲۰۰۴ بیان نموده است در پارادایم جدید برنامه ریزی، از ایده حکمرانی برنامه ریز به عنوان نخبه، فاصله گرفته شده و به حکمرانی برنامه ریز به عنوان تسهیل کننده توجه شده است و این یعنی اینکه وظیفه حکمرانی ایجاد مشارکت بین بخش عمومی و خصوصی و استفاده از تمامی ظرفیت های جامعه برای توسعه و پیشرفت می باشد.

روزلند، ۲۰۰۵ اعلام نموده در پارادایم دولت، وظیفه دولت، انجام کارها و ارائه خدمات است در حالیکه در پارادایم حکمرانی، وظیفه راهبری جامعه و شهروندان مشارکت کننده، آموزش دهنده و سازمان دهنده فعالیت ها می باشند و این پارادایم در پی همکاری و توانمندی بین اجزای جامعه است. تغییر جهت از پارادایم دولت به پارادایم حکمرانی باعث میشود روابط عمودی با دولت و تعامل بین ذی نفعان برای حل مشکلات به صورت مشترک دیده شود.

مفهوم ظرفیت نیز موضوعی است که در پارادایم حکمرانی مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته است. چرا که در این پارادایم است که نقشی برای بازیگران مختلف جامعه در نظر گرفته شده و ظرفیت و توانایی آنان در توسعه و پیشرفت جامعه بکار گرفته می شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۱۵-۱۹). لذا به نظر می رسد ورود به دنیای آینده در عرصه مهارتی و ایجاد زمینه توسعه یافتگی در آن از مهمترین برنامه هایی می باشد که دولت ها می توانند در دستور کار خود قرار داده و در این راستا شناسایی مواردی که بتوانند این توسعه یافتگی را در عرصه مهارتی، تقویت، تسریع و پایدار نمایند امری بدیهی و غیرقابل اجتناب خواهد بود.

## پیشینه پژوهش

اندرسون (۱۹۹۶) و فلگی و همکاران (۱۹۹۶) اشاره نموده اند که "ظرفیت خط مشی یکی از نه حوزه کاری است که توسط دولت کانادا توصیه شده که تعیین می نماید چگونه می توان نحوه خدمات عمومی را بهبود بخشید". هم چنین کرافت و هاوالت (۲۰۱۳) بیان نموده اند "ظرفیت خط مشی گذاری تعیین کننده مهمی است و نشانگری برای یک دولت با عملکرد بالا" و بنابراین برای حکمرانی موثر و تلاش برای اصلاح سیاست بسیار مهم می باشد".

از طرفی دیگر اندرسون (۱۹۹۶) مطرح نمود که "ظرفیت خط مشی گذاری نشان دهنده توانایی دولت در انجام چندین وظیفه وسیع سیاستگزاری می باشد، از جمله تحقیقات نظری، تجزیه و تحلیل خط مشی ها و ارتباطات". پینتر و پیر (۲۰۰۵: ۲) ظرفیت خط مشی گذاری را "توانایی بسیج منابع لازم برای انتخاب جمعی هوشمند در مورد و تعیین راهبردی دستورالعمل هایی برای تخصیص منابع کمیاب به اهداف عمومی"، و در کنار ظرفیت های اداری و دولتی، برای نمایندگی کلی ظرفیت حاکمیت وضعیت یابی شده است.

لذا با توجه به وسعت و اهمیت آن، محققان استدلال کرده اند که برای پیشبرد زمینه هایی مانند تغییرات آب و هوا، حمل و نقل، توسعه بخش "سبز"، و اصلاح سلامت نیاز به افزایش ظرفیت خط مشی گذاری می باشد. و به صورت کلی ظرفیت خط مشی گذاری، توانایی سیستم های سیاستگذاری را برای انجام کار با کیفیت توصیف می کند (Logan, et. al. 2020).

هر چند بایستی به یاد داشته باشیم که الزامات برای ظرفیت خط مشی گاهی اوقات می تواند با فشارهای موجود جهت سرمایه گذاری در ارائه خدمات، یا با اولویت های تعیین شده در تضاد باشد (Legge & Gleeson, 2015). برای بهبود همکاری و حمایت موثر بین سازمانهای دولتی، درک این مهم که ظرفیت خط مشی، به عنوان شرایط موثر جهت توسعه و پیاده سازی خط مشی

گذاری توصیف شده است ، بسیار مهم است .محققین ظرفیت خط مشی را به عنوان پیش شرط موفقیت خط مشی و برون داد برتر آن محسوب می نمایند.

در تحقیقی یک چارچوب تحلیلی بررسی در نظر گرفته شد و با طبقه بندی عوامل ظرفیت خط مشی گذاری در سه گروه که به بهبود آن کمک می کند را بدینگونه مطرح نموده است (۱) مهارتها ، که با تواناییها و تخصص یک سازمان در انجام موثر کارهای خط مشی توصیف شده است، (۲) منابع ، که به عنوان عرضه یا حمایتی که یک سازمان در فرایند خط مشی گذاری ایجاد می کند وصف گردیده است ، و (۳) فرآیندهایی که بر تصمیمات و اقدامات لازم برای انجام کارهای سیاستی موثر می باشد (Chenboonthai & Watanabe,2018).

توسعه ظرفیت برای مطالعه و عملکرد سیاست عمومی و مدیریت نقطه مرکزی می باشد ،اما اطمینان از اثربخشی آن به میزان قابل توجهی، به ظرفیت خط مشی از سوی سازمان های دولتی که وظیفه طراحی و اجرای آن را بر عهده دارند نیاز دارد. ظرفیت خط مشی گذاری به عنوان توانایی دولت ها برای انجام کارکردهای تحلیلی ، عملیاتی و سیاسی تعریف می گردد فلذا تغییرات مختلف ابعاد ظرفیت خط مشی منجر به تفاوت های قابل توجهی در اثربخشی ابتکارات توسعه ظرفیت می گردد. اهمیت ظرفیت سیاست و باز کردن بیشتر چگونگی ابعاد تحلیلی ، عملیاتی و سیاسی آن برای ارائه موفق توسعه ظرفیت ضروری می باشد.

نتایج بررسی هاگ و اولیویرا (۲۰۲۰) نشان می دهد که تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته آسیایی و آمریکای لاتین، اهمیت ناشی از ایجاد ، پرورش و حفظ آگاهانه ترکیب مناسب از ظرفیت خط مشی جهت اطمینان از حصول نتایج مطلوب ناشی از اجرای خط مشی را تقویت می نماید. تحلیل علم سنجی اخیر ساگوین و همکاران (۲۰۱۸) بر مبنای تکه شدن ادبیات ظرفیت به عنوان یک نتیجه از این مشکلات نشان داده است که "ظرفیت به طور گسترده ای مورد بررسی قرار گرفته است ، اما بصورت ضعیفی نظریه پردازی شده است" (Yan & Saguin,2021).

پولی (۲۰۱۷) بیان نموده که ظرفیت آنچه را که ممکن است در طول فرآیند اجرای خط مشی و پیش پرداختن به آن از طریق طراحی خط مشی که برای آن آماده شده است اتفاق بیفتد پیش بینی مینماید. وو، رامش و هولت (۲۰۱۵) ظرفیت خط مشی را "مجموعه ای از مهارتها و منابع - یا شایستگیها و قابلیتها - که برای انجام وظایف خط مشی ضروری است" یا عبارتی "ترکیب مهارتها و منابع در هر سطح" تعریف می نمایند. در حالی که تعامل بین شایستگی های مختلف، به درک بهتر موارد شکست یا موفقیت در خط مشی کمک می کند.

رویکرد دیگری که در برخی برنامه ها، برای افزایش ظرفیت تصمیم گیری استفاده می شود، حقیقت یابی مشترک ملی باشد که به ایجاد درک متقابل و اعتماد لازم برای غلبه بر اختلافات و رسیدن به توافق نیز تعبیر می گردد. جمع بندی این عناصر به مفهوم نظری طراحی ظرفیت خط مشی که موفقیت را در شرایط عدم قطعیت عمیق، نزدیک بینی و پیچیدگی سیاست. پیش بینی مینماید، کمک می کنند (Bloemen, et.al. 2019).

تعدادی از نویسندگان تشخیص داده اند افراد، ائتلاف ها و گروه های کلیدی به ظرفیت خط مشی نیاز دارند تا بتوانند فرصت های سیاستی را تصاحب نمایند و اغلب این کار را با فشار آوردن به گزینه های خط مشی ترجیحی خود به عنوان استراتژی های امکان پذیر و مقرون به صرفه در مواقع حساس انجام می دهند (Clarke, et.al. 2016). در این بین به واژه ظرفیت سازی 'به عنوان "توسعه دانش، مهارت، تعهد، ساختارها، سیستم ها و رهبری را قادر به ارتقای سلامت موثر مینماید" نیز برخورد می نمایم.

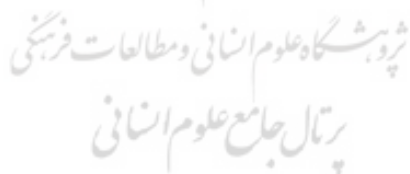
هدف از ظرفیت سازی بهبود شیوه ها و زیرساخت ها با ایجاد رویکردها، ساختارها یا ارزشهای جدیدی است که توانایی های پزشکان و سازمان های آنها را برای رسیدگی به مسائل بهداشت محلی حفظ نموده و ارتقا می بخشد. "ظرفیت سازی با نظریه ها (به عنوان مثال، چارچوب ها، مدل ها



، مراحل و/یا انواع خاصی از نظریه ها) و رویکردهای افزایش ظرفیت مانند "آموزش مبتنی بر شایستگی"، "کمک فنی"، و/یا "آموزش" در ارتباط میباشد.

غالباً رویکردهای افزایش ظرفیت شناسایی شده شامل آموزش، کمک فنی، شبکه های دانش و مربیگری حرفه ای می باشد (Bergeron, et.al. 2017). چالش اصلی در هر گونه تلاش برای اندازه گیری ظرفیت خط مشی، غلبه بر مشکل محدوده و تعریف ایده به گونه ای که بتوان آن را عملیاتی نموده و اندازه گیری کرد می باشد.

به طور سنتی در سطح نهادها و سازمانها، ظرفیت خط مشی به نقل از پیر و پینتر (۲۰۰۵) به توانایی تصمیم گیری هوشمند و بر اساس گفته دیویس (۲۰۰۰) به اجرای این تصمیمات اشاره دارد. با توجه به بررسی کلباچ (۲۰۰۶) این تعریف ظرفیت را به اتخاذ یک "انتخاب معتبر" ۱،۲ بدون فهم تعامل دولتها با بازیگران غیر دولتی در امر خط مشی گذاری پیوند می دهد (Saguin, et.al. 2018). جدول ۱ خلاصه ای از تعاریف ارائه شده برای ظرفیت خط مشی را از سوی پژوهشگران مختلف نشان می دهد.



| جدول ۱- تعاریف ظرفیت خط مشی |   |  |
|-----------------------------|---|--|
| ردیف                        | تعریف   | پژوهشگران  |
| ۱                           | توانایی خدمات کشوری در تدارک و رساندن مشورت به مدیران عالی رتبه سیاسی خود و اینکه خدمات کشوری این توانایی را داشته باشد که در چرخه خط مشی، نقش و وظیفه خود را ایفاء نماید.  | نیومن؛ پرل؛ ولستد ۲۰۱۳   |
| ۲                           | ظرفیت خط مشی به معنای وسیع به عنوان توانایی یک دولت برای انتخاب توزیع منابع.  | فوکویاما (۲۰۱۳):   |
| ۳                           | ظرفیت خط مشی گذاری تعیین کننده مهمی است و نشانگری برای یک دولت با عملکرد بالا   | کرافت و هاوالت (۲۰۱۳):   |
| ۴                           | ظرفیت خط مشی گذاری را به عنوان مجموعه ای از مهارت ها، شایستگی ها و منابع برای طراحی و پیگیری اهداف سیاستگذاری در سرتاسر دولت تعریف نموده اند  | روتبرگ (۲۰۱۴)، هاوالت (۲۰۱۵) تیرنان و وانا (۲۰۰۶) وو و همکاران (۲۰۱۰ و ۲۰۱۵): درج شده در Cameron, 2019 |
| ۵                           | توانایی سازمان های دولتی برای هماهنگی و اجرای خدمات عمومی   | هولت و مینینگ (۲۰۱۴):  |
| ۶                           | "مجموعه ای از مهارت ها و منابع - یا شایستگیها و قابلیتها - که برای انجام وظایف خط مشی ضروری است" یا عبارتی "ترکیب مهارت ها و منابع در هر سطح"   | وو، رامش و هولت (۲۰۱۵): درج شده در Cameron, 2019   |
| ۷                           | مجموعه ای از توانایی های اساسی در الزامات حکمرانی خوب معمولاً با عباراتی نظیر "ظرفیت خط مشی"، "مدیریت خط مشی"، "اثربخشی خط مشی" و "ظرفیت ارزیابی" نشان داده می شود  | رگونی (۲۰۱۷)   |
| ۸                           | ظرفیت خط مشی می تواند وسیله ای باشد برای توسعه "سیاست های دارونما" عنوان "دریچه های ایمنی مدیریت دستور کار" ۴ یا برای "برنامه های پنهان" ۵ بیشتر برای اهداف سیاسی تا پرداختن به اهداف مشکلات اصلی خط مشی  | مک کانل (۲۰۱۸) و Mukherjee et.al, 2021   |
| ۹                           | ظرفیت خط مشی گذاری اغلب در بحث سیاست عمومی و دولتها برای توانایی (یا ناتوانی) تصمیم گیری در مورد سیاست های مناسب و اجرای موفق آنها استفاده می شود   | لونیس حسین و همکاران (۲۰۲۱)  |
| ۱۰                          | کار بر روی ظرفیت خط مشی گذاری، ناکافی بودن یک رویکرد بیش از حد عقلانی به خط مشی گذاری را برجسته می کند. با در نظر گرفتن ظرفیت خط مشی به عنوان نشانه ای از واقع گرایی، محققان مفهوم ظرفیت خط مشی را به سمت جنبه های کمتر ملموس تغییر خط مشی هدایت کرده اند | دنيس و همکاران، ۲۰۲۲   |
| ۱۱                          | نظریه در حال تکامل و حلقه های گمشده   | برنتون و همکاران، ۲۰۲۲   |

## روش شناسی تحقیق

محقق در پژوهش پیش روی با پیشفرض فلسفی پراگماتیسم و در بستر پست مدرن و انتخاب استراتژی داده بنیاد (گراند) با استفاده از نظرگاه استقیاسی (رویکرد آمیخته در قالب همزمان موازی) اقدام به حل مسئله نموده است. از سوی دیگر پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، و در بخش اول خود از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی می‌باشد. منظور از نظریه‌پردازی داده بنیاد، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. روش نظریه داده‌بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به طور استقرایی یک سلسله رویه‌های نظام‌مند را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده گردیده است. به گونه‌ای که جهت تدوین ادبیات و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای که شامل مطالعه و بررسی کتب و نشریات و مقالات داخلی و خارجی و پایان نامه‌ها و جستجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و نیز استفاده از تجارب محققان دیگر به منظور دستیابی به مبانی نظری تحقیق می‌باشد و جهت گردآوری داده‌ها در روش میدانی از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. محقق برای روش تجزیه و تحلیل خود از کد گذاری بهره می‌برد.

همانگونه که در شکل ۱ مشاهده می‌نمایید تئوری داده بنیاد در سه رهیافت قابل طبقه بندی است، رهیافت نظام مند اشتراوس و کوربین که در سال ۱۹۹۸ تکمیل گردید، رهیافت ظهوریابنده گلیسر و نیز رهیافت ساختارگرایی چارمز ۲۰۰۶، (کرسول، ۲۰۱۸). اما محقق با توجه به رواج بسیار بیشتر رهیافت سیستماتیک یا نظام مند اشتراوس و کوربین و نیز قابلیت آموختن آن و هم کیفیت سنجی و مشاهده پذیری بیشتری دارد، از آن استفاده نموده است. این رویکرد شامل کد گذاری باز، محوری، انتخابی است که برایانت و کیتی چارمز ۲۰۱۹ (ص. ۱۸) نیز به آن اشاره نموده اند. البته به شیوه یا

عرف نگارش پژوهش‌های کیفی کد گذاری باز شامل دو بخش ویژگی و ابعاد ویژگی می باشد که شبیه به داده های جمعیت شناختی در تحقیقات کمی اما برای مشارکت کنندگان است که ابتدا پیش از هر نوع کد گذاری بررسی می گردد.

برای جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی با ۱۵ نفر از متخصصان (خبره) حوزه آموزش‌های مهارتی کشور در سطح آموزشی و اجرایی مصاحبه شد. خبرگان این حوزه از بین متخصصان با حداقل ۱۰ سال سنوات خدمتی، حداقل مدرک تحصیلی فوق لیسانس و سوابق مدیریت‌های میانی و ارشد که تجربیات مرتبط با حوزه آموزش‌های مهارتی گذرانده باشند انتخاب گردیدند. به‌طور کلی، مشخصات مصاحبه‌شوندگان از نظر ترکیب جنسیتی، تحصیلات و سن در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲- آمار جمعیت شناختی بخش کیفی

| متغیر              | طبقه   | فراوانی | متغیر   | طبقه        | فراوانی | متغیر     | طبقه         | فراوانی |
|--------------------|--|---------|---------|-------------|---------|-----------|--------------|---------|
| فعالیت اجرایی خبره | مدیران ارشد و اساتید مطلع حوزه آموزش‌های مهارتی کشور | ۱۵      | تحصیلات | فوق لیسانس  | ۶       | سن        | ۴۰ تا ۴۵ سال | ۱       |
|                    |  |         |         | دکتری تخصصی | ۹       |           | ۴۶ تا ۵۰ سال | ۷       |
|                    |  |         |         | زن          | ۱       |           | ۵۱ تا ۵۵ سال | ۷       |
| جنسیت              |  |         | جنسیت   | مرد         | ۱۴      | سابقه کار | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۱       |
|                    |  |         |         |             |         |           | ۱۶ تا ۲۰ سال | ۱       |
|                    |  |         |         |             |         |           | ۲۱ تا ۲۵ سال | ۶       |
|                    |  |         |         |             |         |           | ۲۶ تا ۳۰ سال | ۷       |

<sup>۱۶</sup>- خبرگان این پژوهش واجد تجارب مدیریت‌های استانی، ستادی با سوابق کارشناسی قبلی (طی مسیر ارتقای شغلی حسب کسب تجارب و توانمندی‌های لازم) و گاهی دارای تجارب گردش مدیریتی در بین چند استان و حتی مدیریت در سایر دستگاه‌ها می باشند. بالاترین سطح آن جناب آقای دکتر پاک سرشت (رئیس سابق سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور) معاون وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی و نماینده ایران در سازمان بین‌المللی کار (ژنو) می باشند. این افراد به‌طور میانگین بیش از ۹ سال سابقه مدیریت و سیاستگذاری کلان یا منطقه‌ای را در سوابق شغلی خویش داشته‌اند.

مدت مصاحبه‌ها بین ۶۰ الی ۷۵ دقیقه بوده است که از مصاحبه ۱۳ ام به بعد اطلاعات جدیدی اضافه نگردید و مصاحبه به اشباع رسید. در تحلیل داده‌ها، روش مرحله‌ای و تکنیک‌های تحلیلی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مورد استفاده قرار گرفت. رویکرد نظام‌مند مدل‌سازی در سه گام اصلی انجام می‌شود: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

#### گام اول: کدگذاری باز

بخشی از تحلیل که مشخصاً به نامگذاری و دسته‌بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود، کدگذاری باز نامیده می‌شود. به عبارت بهتر، در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از مصاحبه‌ها و اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سوالات مشابه هستند.

در روش کدگذاری نظری، دو گرایش برای تحلیل داده‌ها وجود دارد. برخی از پژوهشگران به تحلیل جز به جز می‌پردازند. یعنی متون و داده‌ها را خط به خط و کلمه به کلمه مورد تحلیل قرار می‌دهند. برخی نیز به دلیل وقت‌گیر بودن این روش تنها نکات و مضامین کلیدی را کدگذاری می‌کنند.

#### گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری در حقیقت به معنای ارتباط بین مقولات اصلی و فرعی در قالب یک مفهوم با بیشترین درجه انتزاع می‌باشد. محقق در این گام می‌تواند از الگوی پارادایمیک استراوس و کوربین که برای استراتژی گراند تئوری آماده سازی شده است استفاده نماید. یعنی مقولات را در دسته‌هایی مثل عوامل موثر، چستی مفهوم، پیامدها، راهبرها، زمینه و بافت رخداد پدیده، مداخله گر قرار دهیم. اما تشکری و تدلی در سال ۲۰۰۸، کرسول در سال ۲۰۱۲، لینکلن و گوبا در سال

۲۰۱۴،.... بیان کردند که الگوی پارادایمیک حتی از نظر پدید آورندگان آن صرفاً یک چارچوب یا طرحواره برای کمک به محقق جهت ایجاد کدهای محوری او و در گام بعد رسم فرضیات و تولید نظریه ارائه می‌دهد. در حالی این نقد همواره به این مدل ثابت ارائه شده است که فرایند نظریه پردازی نمی‌تواند تا این درجه صلب و غیر قابل انعطاف باشد.

محققین برای واقعیات متفاوت نیاز به ماکت‌هایی متفاوت جهت تبیین آن واقعیات دارند. مدل از نظر هاینریش ۲۰۱۰ بررشی از واقعیت است و واقعیت نمی‌تواند در همه حوزه‌ها و همه رشته‌ها به یکل ارائه گردد. لذا مطابق با اصول ارائه مدل در سال‌های اخیر محقق برای ایجاد کدهای محوری خود و نیز کشف فرضیات نیازمند استفاده از ابزارهای جدیدتر و همچنین بسط این نظریه در گروه‌های بزرگتر جهت اعتبار سنجی آن است. (مرادی و میرالماسی، ۲۰۲۰، ۶۷). کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد.

#### گام سوم: کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی عبارت است از فرایند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط، و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. بنابراین، کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود (پالایش) مقوله‌ها است؛ به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه می‌کند.

لازم به ذکر است جهت دسته بندی و طبقه بندی مفهومی های استخراج شده از مصاحبه و اسناد از نرم افزار MAXQDA2020 استفاده شده است. هم چنین جهت اعتبار پذیری از تاکتیک های زیر استفاده شده است:

تاکتیک های رسیدن به روایی در پژوهش حاضر:

درگیری طولانی مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی و مشاهدات مداوم در محیط پژوهش از جمله اعتماد سازی با افراد موضوع پژوهش، اطلاع دقیق از فرهنگ محیط و کنترل بدفهمی های ناشی از مداخله های پژوهشگر یا مطلعان، استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی نظیر نمایش و ارائه تحلیل های داده ای و نتایج آن به متخصصان امر که این امر به غنای قابلیت اعتبار کمک کرده است. (مرادی و میرالماسی، ۲۰۱۷)

تکنیکی که لینکلن و گوبا آن را حیاتی ترین کنترل برای تثبیت اعتبار می دانند دریافت نظر شرکت کنندگان در پژوهش در باره اعتبار یافته ها و تفسیرهاست. برای این کار یافته ها، تفسیرها و نتایج پژوهش را در گروهی کانونی متشکل از شرکت کنندگان در پژوهش مورد قضاوت قرار گرفت

کنترل بیرونی پژوهش از طریق داوری یا گزارش شخص ثالث: یعنی کسی که پژوهشگر را صادق نگاه میدارد؛ از او پرسش های دشواری درباره روش ها، معانی و تفسیرها می کند و صبورانه به سخنان او گوش می دهد..

تاکتیک های رسیدن به پایایی در پژوهش حاضر:

سیلورمن توافق بین کدگذاران را مفید می داند. اگر چند کدگذار کار کدگذاری مستقل چند متن را انجام دهند لازم است بین آنها توافقی درباره شیوهی کار صورت پذیرد (اغلب پژوهشگران روی عدد ۸۰ درصد تشابه کدگذاری توافق نظر دارند).

یادداشت برداری، کد گذاری و آنالیز رایانه ای، ثبت دقیق گفته ها

## یافته‌های پژوهش

## تحلیل کیفی داده‌ها به کمک نرم افزار MAXQDA2020

پس از انجام مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان به صورت یک سند word در نرم افزار MAXQDA2020 جهت کدگذاری بارگزاری گردید. بخش‌هایی از مصاحبه‌ها که جهت کدگذاری و استخراج مفاهیم (مقوله‌ها) انتخاب شدند و به تفکیک کدگذاری شدند. نتایج فرآیند کدگذاری باز این تحقیق در قالب مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم، به همراه مشخصه‌ها و بُعدهای آن، در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- مفهوم سازی عوامل موثر بر ظرفیت خط مشی و مولفه های ارتقای ظرفیت خط مشی

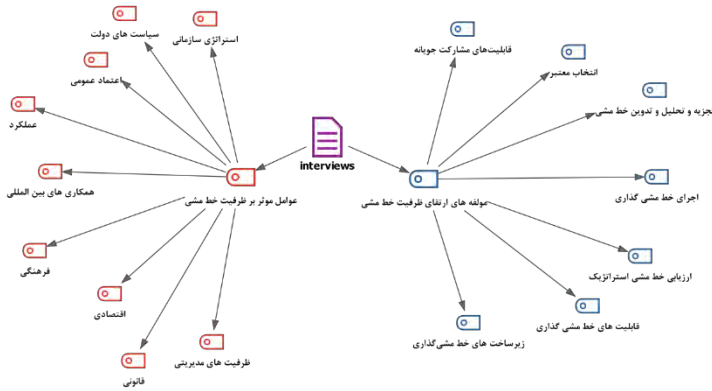
| مقوله محوری                      | مقوله اصلی                      | کد اولیه   | مقوله محوری                | مقوله اصلی               | کد اولیه   |
|----------------------------------|---------------------------------|--|----------------------------|--------------------------|--|
|                                  | تجزیه و تحلیل<br>و تدوین خط مشی | سرمایه گذاری<br>آموزشی پربازده<br>امتیاز بندی مربیان<br>بررسی تخصص<br>مربیان<br>بررسی کلیه شرایط<br>آموزش<br>ارزیابی الویت های<br>آموزشی مدیران<br>درجه بندی فعالیت<br>های آموزشی<br>تعریف اهداف<br>آموزشی سازمان<br>شناسایی گام های<br>آموزش<br>بررسی سناریوهای<br>مختلف آموزشی<br>سیاستگذاری سازمان<br>شناسایی نیازهای<br>آموزش های مهارتی | عوامل موثر بر ظرفیت خط مشی | ظرفیتهای مدیریتی         | هماهنگی درون بخشی<br>جذب نیروی مورد نیاز<br>ثبات مدیریتی<br>تجارب مدیران<br>روابط مدیران و کارکنان |
| ظرفیت خط مشی مولفه های<br>ارتقای | انتخاب معیار                    | وجود دستور<br>کارهای قوی<br>فرایند ساختارمند<br>سیاستگذاری<br>اتخاذ تصمیمات<br>آینده نگر<br>پایش ملی مسائل   |                            | همکاری های<br>بین المللی | جهانی شدن<br>الزام به ظرفیت سازی<br>دیپلماسی مهارتی  |



| مقوله محوری | مقوله اصلی                  | کد اولیه  | مقوله محوری | مقوله اصلی       | کد اولیه  |
|-------------|-----------------------------|---|-------------|------------------|---|
|             | قابلیت های مشارکت جوینانه   | ارتباط با دانشگاه ها<br>کارگروه های<br>مشترک با ذی نفعان<br>تعامل با قانونگذاران<br>تعامل با بخش<br>خصوصی   |             | سیاستهای دولت    | انطباق خط مشی گذاری<br>با سیاست های اشتغال<br>دولت<br>آموزش بر مبنای نیاز<br>بازار<br>تبعیت از سیاست های<br>کسب و کار دولت<br>تأثیر سیاست های دولت<br>بر خط مشی گذاری<br>سازمانی<br>محدودیت های بودجه<br>ای |
|             | زیرساخت های<br>خط مشی گذاری | زیرساخت آموزشی<br>مستند سازی تجارب<br>اجرای پروژه های<br>تحقیقاتی خط مشی<br>گذاری<br>وجود فرهنگ خط<br>مشی گذاری<br>وجود کانون های<br>تفکر   |             | استراتژی سازمانی | تأثیر قوانین سازمانی<br>اتخاذ سیاست های کلی<br>اختصاصی<br>تأثیر اسناد بالادستی<br>تأثیر پیشرفت های بین<br>المللی  |
|             | قابلیت های<br>خط مشی گذاری  | آگاهی خط مشی<br>گذاران از ابزارها<br>تجربه خط مشی<br>گذاران<br>دانش خط مشی<br>گذاران از مدل های<br>مختلف<br>کارایی مجموعه های<br>خط مشی گذاری<br>تخصص فنی خط<br>مشی گذاران                                |             | اعتماد عمومی     | توفیق کسب و کارها<br>تلاش برای افزایش نرخ<br>مخاطبین<br>تکریم ارباب رجوع<br>لزوم اتخاذ تدابیر اعتماد<br>دهنده همگانی<br>انتشار مستمر عملکرد<br>سازمان   |
|             | ارزیابی خط مشی استراتژیک    | پایش توانایی نظام<br>خط مشی گذاری<br>گزینه های آموزشی<br>بررسی تحقق اهداف<br>خط مشی گذاری<br>رویکردهای<br>سیستمی و بین<br>سیستمی<br>توانمندی بخش<br>آموزش در خط<br>مشی گذاری<br>تحلیل فرآیندهای<br>آموزشی |             | عملکرد           | اخذ تصمیمات توجیه<br>پذیر<br>رصد مستمر دستگاه های<br>نظارتی<br>وجود ابزارهای سنجش<br>عملکرد<br>استقبال مردمی  |

| مقوله محوری | مقوله اصلی         | کد اولیه  | مقوله محوری | مقوله اصلی | کد اولیه   |
|-------------|--------------------|---|-------------|------------|--|
|             | اجرای خط مشی گذاری | چارچوب های قانونی در پروژه های آموزشی<br>صحت سنجی<br>تصادفی اسناد الکترونیکی<br>یکپارچگی سازمانی<br>تمرکز بر فرایندهای اصلی سازمان<br>اخذ بازخورد از مخاطبین<br>کمی سازی کلیه فرایندهای سازمان<br>تحلیل پروژه های آموزشی<br>اجرای خط مشی گذاری توسط مربیان<br>آمادگی برای تغییرات<br>پذیرش همگانی خط مشی فرایند آموزش |             | فرهنگی     | تنوع فرهنگی لازمه تنوع آموزش ها<br>نیازهای آموزشی منتج از فرهنگ های گوناگون<br>تأثیر فرهنگ بر تصمیمات آموزشی<br>وجود الزامات خاص آموزشی مطابق فرهنگ کشور |
|             |                    |   |             | اقتصادی    | تناسب اقتصاد کشور و خط مشی گذاری مهارتی<br>سیاست های انقباضی مالی دولت<br>تأثیرگذاری وضعیت اقتصادی کشور بر آموزش سازمان<br>تخصیص بودجه بر مبنای بازدهی   |
|             |                    |   |             | قانونی     | وجود تکالیف قانونی در فرایندهای آموزشی<br>وجود الزامات قانونی در پروژه های آموزشی<br>نظام بودجه بندی وجود محدودیت های قانونی در اجرای پروژه های آموزشی   |

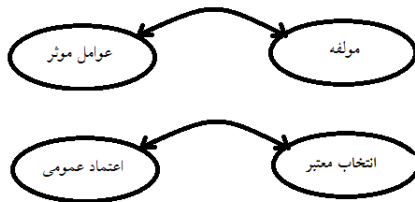
همان گونه که نتایج حاصل در شکل ۱ نشان می‌دهد از ۸۳ کد اولیه برخاسته از مصاحبه ها، ۱۶ مؤلفه اصلی در قالب دو مقوله محوری یا کد متمرکز انتزاعی (سازنده بلوک های متفاوت) قابل شناسایی است.



شکل ۱- مفهوم سازی (کدهای محوری) برآمده از مصاحبه ها

### کد گذاری هم پوشان یا همزمان

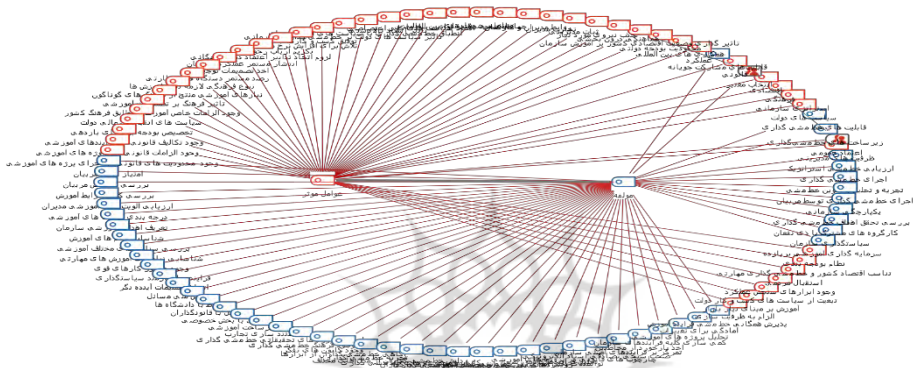
بیش از ۳۴ روش کد گذاری اولیه وجود دارد اما نرم افزار های مانند MAXQDA، Atlasti، nvivo همگی مهمترین ابزار آنالیز خود برای ایجاد فرضیه را کد گذاری هم پوشان می دانند. سالدانا ۲۰۲۱ (ص ۲۴۸) بیان می کند که اگر یک واحد معنادار برچسب معنایی A را بگیرد و همزمان همان واحد معنادار برچسب معنایی B را نیز به خود بگیرد و این هم پوشانی مرتبا در اسناد تکرار شود. می توان ادعا کرد که این واحد های معنادار و کد های آن ها با یکدیگر رابطه دارند. این رابطه روی یک طیف قرار دارد و می تواند از بسیار ضعیف تا بسیار قوی باشد. نرم افزار حاضر توسط ماتریسی بنام Code relation browser این هم پوشانی را بررسی می کند و محقق می تواند بر اساس این ماتریس به هم پوشانی های قوی به عنوان یک ابزار بسیار معتبر اتکا نماید.



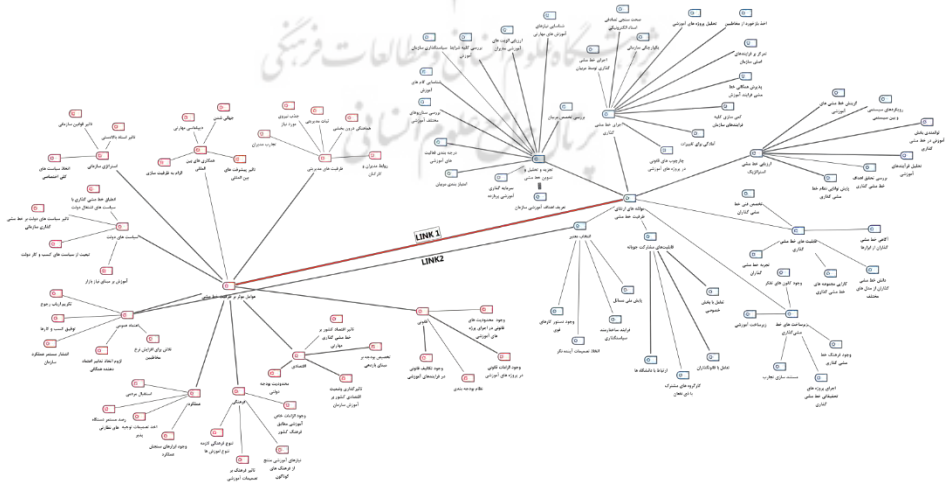
شکل ۳- فرضیات بدست آمده از تحلیل هم پوشان

این ماتریس در حقیقت میزان ارتباط معنایی کدها را درست شبیه یک جدول همبستگی در پژوهش کیفی بصورت کیفی به نمایش در می آورد و مشخص می کند بر روی یک طیف کدام دو مقوله یا حتی کدهای محوری از یک مفهوم با مفهوم دیگر ارتباط معنادار دارند. ۲ فرضیه در تصویر ۳ از بخش تحلیل همپوشان بدست آمده است هرچند در شکل ۴ نیز این هم پوشانی به وضوح قابل مشاهده است و ساده شده آن به همراه فرضیات احصا شده در شکل ۵ مشاهده می گردد.

Code Co-occurrence Model (Code Intersection)



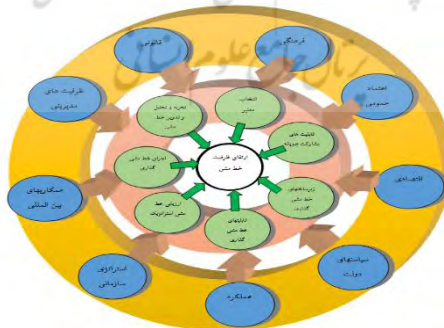
شکل ۴- نمودار تحلیل کد گذاری هم پوشان یا همزمان کدهای استخراجی حاصله از تحلیل اولیه



شکل ۵- نمودار ساده شده تحلیل کد گذاری هم پوشان یا همزمان کدهای استخراجی

## نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل از ماتریس هم پوشانی که منجر به ظهور مدل ارائه شده در شکل های ۴ و ۵ گردید، و از سوی دیگر مشورت با خبرگان در قالب یک جلسه کانونی انتخابی، محقق را برای تولید نظریه در قالب فرضیات هدایت نمود که نهایتاً منجر به ارتباط عوامل موثر بر ظرفیت خط مشی با مولفه های ارتقای ظرفیت خط مشی در قالب دو سازه مجزا بر ساخته از ۱۶ مولفه که ۹ مولفه تشکیل دهنده سازه عوامل موثر (ابعاد یا مولفه های آن) در این تحقیق بوده و ۷ مولفه دیگر تشکیل دهنده سازه ارتقای ظرفیت خط مشی (ابعاد یا مولفه های آن) و هم چنین ارتباط مولفه اعتماد عمومی از سازه عوامل موثر با مولفه انتخاب معتبر از سازه دیگر به عنوان فرضیات حاصل از پژوهش جاری گردید که مدل مفهومی مصور در شکل ۶ را ارائه نمود. درک یا نظریه پردازی موفقیت و شکست خط مشی، انگیزه های اولیه برای مطالعات ظرفیت خط مشی هستند. از این رو، مفهوم سازی مناسب ظرفیت خط مشی به پیشبرد مطالعات در مورد آنچه که دولت و حکومت می تواند توفیق حاصل نماید، کمک می نماید. با این حال، در حال حاضر نیاز به کار بیشتر است که جایگاه واقعی ظرفیت خط مشی را شناسایی و آن را در میان نظریه های جایگزین نتایج خط مشی محدود نماید. نگرانی دیگر برای تحقیقات بیشتر موضوع انتظارات و مطالبات می باشد، به عنوان مثال، سیاست گذاران و ظرفیت های مرتبط، می توانند «قربانی موفقیت های خود» شوند، زیرا موفقیت باعث افزایش رشد خواسته ها (انتظارات) در میان خط مشی گذاران می شود. به این ترتیب در حالی که ما به دنبال ایجاد یک مفهوم نظری پویاتر از نقش ظرفیت خط مشی بوده ایم، در آینده نیاز به کار برای بررسی تجربی تعاملات بین ابعاد آن وجود دارد (Brenton, et.al,2022)



شکل ۶- مدل مفهومی حاصل از رویکرد گراند تئوری در ارتباط با عوامل موثر و مولفه های ارتقای ظرفیت خط مشی گذاری آموزش های مهارتی

## منابع

- ایزدی یزدان آبادی احمد. ۱۳۹۳. آسیب شناسی آموزش و پرورش و ارائه راهبردها و راه کارهای مطلوب. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. معاونت پژوهش. طرح پژوهشی.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۱). نقش آموزش در توسعه اقتصادی. فصلنامه علمی - پژوهشی تدبیر، شماره ۲۳، صص ۱۰۴-۱۰۸.
- حسینی راد، مهدی. کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۵). اولویت بندی نهادهای خط‌مشی‌گذار نظام آموزش‌های مهارتی در ایران. پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال.
- دانایی فرد، حسن. حسینی، سید یعقوب. فانی، علی اصغر. ۱۳۹۶. ظرفیت خط‌مشی‌گذاری عمومی کلید توسعه یافتگی ملی. تهران، انتشارات صفار، ۱۹۲ صفحه.
- شهبازی، کیومرث؛ حسینی، محمد. (۱۳۹۱). تاثیر سطوح مختلف آموزشی بر رشد اقتصادی در کشور ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۶، صص ۲.
- محمودزاده احمدی نژاد، شهریار؛ کاووسی، روشنک؛ بک‌زاده، مطهره؛ سلطانی، لیلا؛ قاسمی، زهرا. ۱۳۹۴. بهسازی آموزش خط‌مشی‌گذاری، ضرورتی در راستای توسعه ظرفیت خط‌مشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران
- مرادی، محسن. میرالماسی، آییا (۲۰۱۷). تاکتیک‌های رسیدن به پایایی و روایی در پژوهش کیفی. <https://analysisacademy.com/5372/validity-reliability.html>
- مرادی، محسن. میرالماسی، آییا (۲۰۱۷). روایی در تحقیق کیفی. <https://analysisacademy.com/5037/%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%8C%D8%8C-%D8%AA%D8%AD%D9%82%D8%8C%D9%82-%DA%A9%DB%8C%D9%81%DB%8C.html>
- Anderson, George (1996): *The new focus on the policy capacity of the federal government. In Canadian Public Administration/Administration publique du Canada* 39 (4), pp. 469-488.
- Bergeron, K., Abdi, S., DeCorby, K. et al. (2017) *Theories, models and frameworks used in capacity building interventions relevant to public health: a systematic review. BMC Public Health* 17, 914.
- Brenton., S., Baekkeskov., E. & Hannah., A. (2022) *Policy capacity: evolving theory and missing links, Policy Studies*, DOI: 10.1080/01442872.2022.2043266

- Bryant, A., & Charmaz, K. (Eds.). (2019). *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*. Sage.PP: 679
- Cameron BT. *Training for policy capacity, (2021) A practitioner's reflection on an in-house intervention for civil servants, students, and post-secondary graduates in Canada. Teaching Public Administration.*
- Chenboonthai, H.; Watanabe, T. 2018 *Organizational and Systemic Policy Capacity of Government Organizations Involved in Energy-From-Waste (EFW) Development in Thailand. Energies ,*
- Clarke, B., Swinburn, B. & Sacks, G. (2016) *The application of theories of the policy process to obesity prevention: a systematic review and meta-synthesis. BMC Public Health 16, 1084.*
- Colebatch, H. K. (2006). *What work makes policy? Policy sciences, 39(4), 309–321.CPBRD (Congressional Planning and Budget Research Department). (2017). Progress report on the Pantawid Pamilyang Pilipino Programme(4Ps).Accessible at:*
- [http://cpbrd.congress.gov.ph/images/PDF%20Attachments/Facts%20in%20Figures/F2017-18\\_Progress\\_Report\\_on\\_the\\_Pantawid.pdf](http://cpbrd.congress.gov.ph/images/PDF%20Attachments/Facts%20in%20Figures/F2017-18_Progress_Report_on_the_Pantawid.pdf)
- Craft, J. and Howlett, M. (2013), *Policy Capacity and the Ability to Adapt to Climate Change. Review of Policy Research, 30: 1-18. https://doi.org/10.1111/ropr.12000*
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (4th ed.)*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Daugbjerg, C., Fraussen, B., & Halpin, D. (2018). *Interest group and policy capacity: Models of engagement,policy goods and networks. In X. Wu, M. Howlett, & M. Ramesh (Eds.), Policy capacity and governance: Assessing governmental competences and capabilities in theory and practice. (pp. 243–261). Springer.*
- Davis, Glyn Conrad (2000): *Conclusion: policy capacity and the future of governance. Sydney: Allen & Unwin.*
- Denis, Jean-Louis; Usher, Susan; Préal, Johanne (2022): *Health reforms and policy capacity: the Canadian experience, Policy and Society, 2022,; puac010, https://doi.org/10.1093/polsoc/puac010*
- Elgin, D. and Weible CH.M.(2013). *A Stakeholder Analysis of Colorado Climate and Energy Issues Using Policy Analytical Capacity and the Advocacy Coalition Framework. Review of Policy Research, Volume 30, Number 1 (2013).*
- Ellonen R, Blomqvist K, et al (2008).*The role of trust in organisational innovativeness. European Journal of Innovation Management, Vol. 11 No. 2, 2008, pp. 160-181.*



- Fukuyama, F. (2013). What is governance? *Governance*, 26(3), 347–368. <https://doi.org/10.1111/gove.12035>
- Hammond, T. and Knott, J. (1999) 'Political Institutions, Public Management and Policy Choice', *Journal of Public Administration and Theory* 9(1): 33–85.
- Holt, J., & Manning, N. (2014). Fukuyama is right about measuring state quality: Now what? *Governance, Research Note*.
- Howlet, M., ramesh, M. and perl, A. 2009. *studing public policy*. oxford university press.
- Howlett, M. (2015). Policy analytical capacity: The supply and demand for policy analysis in government. *Policy and Society*, 34(3–4), 173–182.
- Howlett, M., & Ramesh, M. (2015). Achilles' heels of governance: Critical capacity deficits and their role in governance failures. *Regulation and Governance*, 10(4), 301–313
- Howlett, Michael, and M. Ramesh. 2016. "Achilles' Heels of Governance: Critical Capacity Deficits and Their Role in Governance Failures." *Regulation and Governance*, no. April 2015: 301–13. <https://doi.org/10.1111/regu.12091>.
- Karo, E., & Kattel, R. (2018). Innovation and the state: Towards an evolutionary theory of policy capacity. In X. Wu, M. Howlett, & M. Ramesh (Eds.), *Policy capacity and governance: Assessing governmental competences and capabilities in theory and practice*. (pp. 123–150). Springer.
- Kelemen, R. D. (2017). Europe's other democratic deficit: National authoritarianism in Europe's Democratic Union. *Government and Opposition*, 52(2), 211–238.
- Legge, D., Gleeson, D. (2015). Unpacking "Health Reform" and "Policy Capacity"; Comment on "Health Reform Requires Policy Capacity". *International Journal of Health Policy and Management*, 4(10), 703-705.
- Logan M. Lawrence, Katherine Fierlbeck, Patrick J. McGrath, Janet A. Curran, (2020) An expert-generated tool for assessing policy capacity. *CANADIAN PUBLIC ADMINISTRATION / ADMINISTRATION PUBLIQUE DU CANADA*, VOLUME 63, NO. 2, PP. 293–317
- Maerz, S., et al. (2020). State of the world 2019: Autocratization surges–resistance grows. *Democratization*, 27(6), 909–927.
- Moradi, M., & Miralmasi, A. (2020). *Pragmatic research method*. (F. Seydi, Ed.) (1st ed.). Tehran: School of quantitative and qualitative research. Retrieved from <https://analysisacademy.com/>
- Mukherjee, I., Coban, M.K. & Bali, A.S. (2021) Policy capacities and effective policy design: a review. *Policy Sci* 54, 243–268.



- Newman, J., Cherney, A., & Head, B. W. (2017). *Policy capacity and evidence-based policy in the public service*. *Public Management Review*, 19(2), 157–174.
- Newman, Joshua; Perl, Anthony; Wellstead, Adam; McNutt, Kathleen (2013): *Policy Capacity for Climate Change in Canada's Transportation Sector*. *Review of Policy Research* 30 (1), pp. 19–41.
- Norris, P., & Inglehart, R. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and authoritarian populism*. Cambridge University Press.
- Nowell, B. (2010). "Out of Sync and Unaware? Exploring the Effects of Problem Frame Alignment and Discordance in Community Collaboratives." *Journal of Public Administration Research and Theory* 20(1): 91-117.
- Painter, M. & Pierre, J. (2005). *Unpacking Policy Capacity: Issues and Themes*. In *Challenges to State Policy Capacity*. Edited by Painter M, Pierre J. Hampshire and New York: Palgrave MacMillan; pp. 1-8.
- Pieter Bloemen, Martijn Van Der Steen & Zeger Van Der Wal (2019) *Designing a century ahead: climate change adaptation in the Dutch Delta*, *Policy and Society*, 38:1, 58-76,
- Pluye P, Potvin L, Denis JL, Pelletier J. 2004. *Program sustainability: focus on organizational routines*. *Health Promot Int* 19(4): 489–500
- Regonini, G. *Governmentalities without policy capacity*. (2017) *Policy Sci* 50, 163–178.
- Rotberg, R. I. (2014). *Good governance means performance and results*. *Governance*, 27(3), 511–518.
- Saguin, K., Ramesh, M., & Howlett, M. (2018) *Policy work and capacities in a developing country: evidence from the Philippines*, *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 40:1, 1-22,
- Saldana, J. (2021). *The coding manual for qualitative researchers*. Sage. PP:303
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage
- Tiernan, A., & Wanna, J. (2006). *Competence, capacity, capability: Towards conceptual clarity in the discourse of declining policy skills*. Paper presented at the govnet international conference. Australian National University, Canberra, Australia.
- Walter, J., Tiernan, A., Head, B. & Edwards, M. (2019): *Policy capacity in disruptive times*, *Australian Journal of Political Science*.
- Weiss, E. (2011). *State Investment in Pre-k Programs, 2001-2010: A Mixed-Methods Evaluation of the Influence of Policy Networks*. PHD dissertation. George Washington University

- Woo, J. J., Ramesh, M., & Howlett, M. (2015). Legitimation capacity: System-level resources and political skills in public. *Policy and Society*, 34(3-4), 271-283.
- Yan Y, Saguin K. Policy capacity matters for capacity development: 2021 comparing teacher in-service training and career advancement in basic education systems of India and China. *International Review of Administrative Sciences*.;87(2):294-310.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی